

نقدی بر یادداشت داوود مهدوی زادگان منتشر شده در شماره ۳۰۲۰ روزنامه «فرهیختگان»

موج دوم کرونا و تحلیل انتقادی



روزنامه «فرهیختگان» در صفحات اول و یازدهم شماره ۳۰۲۰ خود (سوم اردیبهشت ۱۳۹۹)، مطلبی با عنوان اصلی «موج دوم کرونایی در ایران» و عنوان فرعی «به سرآمدن چالش مناسکی و آغاز پرسش از مدرنیته (مطالعه موردی نعمت‌الله فاضلی)» به قلم آقای دکتر داوود مهدوی زادگان منتشر کرده بود. متنی که در ادامه از نظر می گذرانید پاسخی است به نقدی که آقای دکتر مهدوی زادگان مرقوم داشته بودند.

|||

نقد اندیشمندان و نظرات آنها در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی ریشه‌های طولانی دارد. علوم اجتماعی با بیش از ۳۰ گرایش و زیرشاخه و دخیل بودن در بسیاری از حوزه‌های میان‌رشته‌ای، شاید وسیع‌ترین زمینه را در علوم انسانی شامل شود. اگر در حیطه فلسفه به یونان باستان و دوره مغان آریایی برگردیم، همواره نقد موجب رشدنمو بوده است. حتی در حوزه جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی نیز توجه به نظرات نقادانه، موجب شکوفایی، استخاله و پیدایش مکاتب و نظریات جدید شده است. نقد «دیگری» از جهاتی و «خودانتقادی» هم از جهاتی دیگر موجب استعلا کلام صاحب‌نظران می‌شود.

مطلب مفصل و پرجاچ دکتر داوود مهدوی زادگان در روزنامه وزین «فرهیختگان» به تاریخ سوم اردیبهشت ۱۳۹۹ برای محققان علوم اجتماعی موجب خوشحالی فراوان شد. ایشان در مقاله «موج دوم کرونایی در ایران» وقت و قلم گرانبهای خود را به واکوی نظرات یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های علمی ایران معاصر در زمینه علوم اجتماعی اختصاص داد و با «مطالعه موردی نظرات نعمت‌الله فاضلی، به سرآمدن چالش مناسکی و آغاز پرسش از مدرنیته» اعلام کرد. دکتر نعمت‌الله فاضلی به نظر اینجانب یکی از پرکارترین پژوهشگران و اساتید حال حاضر در این حوزه است که با تألیف بیش از ۲۰ عنوان کتاب، ترجمه و تألیف ده‌ها مقاله و ارائه صدها سخنرانی نگاهی دغدغه‌مند و مساله‌محور نسبت به علوم اجتماعی داشته است. البته دغدغه‌مندی پژوهشگر علوم انسانی لزوماً منجر به تولید محتوا نمی‌شود، چراکه بسیاری از این پژوهشگران با تمرکز بیش از حد بر دغدغه از ارائه راهکار غافل می‌مانند. اما فاضلی غالباً با نگاهی مساله‌محور، دغدغه خود را به راهکاری عملی تبدیل می‌کند.

مقاله مذکور برای مخاطبی که با قلم و نظرات فاضلی آشنایی ندارد، ایناماتی را ایجاد خواهد کرد. اما برای خواننده آشنا با نظرات ایشان، این مقاله شاید بیشتر مبتنی بر نقص و نارسایی انتقال مفاهیم ذهنی به موضوعات عینی به نظر برسد. داوود مهدوی زادگان به‌درستی دو موج را در دوره ظهور و اوج کرونا تشخیص داده است که اولی دین و سنت را به نقد و چالش کشید و دومی مدرنیته و تجدد را به زیر تازانه انتقاد آورد. از آغاز اسفند ۱۳۹۸ تاکنون که بیش از سه ماه است کرونا در جامعه ایرانی و نیز در سطح جهان جولان می‌دهد، به نظر ایشان دو موج فرهنگی کرونا در ایران رخ داده است. «موج اول همزمان با شیوع کرونا متوجه باورهای دینی و مناسک و اماکن مقدس بود. اما موج دوم زمانی

آغاز شد که «بحث ماندن در خانه یا قرنطینه خانگی ضرورت پیدا کرده، به نظر ایشان «اگر موج اول کرونا را موج سنتی بخوانیم؛ موج دوم کرونا را، موج مدرن می‌نامیم.» (فرهیختگان، ۹۹/۲/۳) مهدوی زادگان هم همانند همه ناظران و صاحب‌نظران منصف دیگر اذعان دارد که با بروز همه‌گیری ویروس کرونا، نه تنها مناسک دینی جمعی به‌ناچار تعطیل شدند بلکه نوع دین‌ورزی دینداران نیز مورد نقد و محک قرار گرفت. برای اولین‌بار در ۴۰ سال اخیر کلیه مناسک دینی جمعی، نه تنها در ایران بلکه در کل دنیا، به‌حالت تعلیق درآمد. اما با بروز حرکات هنجارشکنانه برخی برای بازنگه‌داشتن مساجد و ادامه اقامه نمازهای جماعت یا رفتارهای جاهلانه عده‌ای در اماکن زیارتی و تشویق به عدم تمکین از تمهیدات و قوانین وضع‌شده برای حفظ سلامت

عموم، شاهد واکنش شدید از جانب عموم مردم و نیز اندیشمندان دینی و غیردینی بودیم که این اعمال را به شدت طرد می‌کردند. فارغ از دغدغه‌های بهداشتی یا اجتماعی یا قانونی، نفس هنجارشکنی از نظر دانشمندان علوم اجتماعی امری پسندیده نیست. ضمن اینکه آنکا به نظرات اقلیتی جاهل و هنجارشکن نیز عین جهل است. لذا انتقاد از زیرساخت‌های فکری این‌گونه اعمال و رفتار، وظیفه هر متفکر مسئول و متعهد است. با همه این اوصاف آنچه در نظرات نعمت‌الله فاضلی درخصوص موج اول کرونا منعکس شده است محدود به بررسی نوع واکنش‌ها و پدیدارهای معطوف به این موقعیت است. به‌همین جهت ایشان «موقعیت کرونایی» را در «جامعه ایرانی» بررسی و تحلیل می‌کند.

اما از نظر فاضلی پیش از اینکه پیکان انتقاد را به سوی کش‌ها یا باورهای دینی جامعه نشانه برویم باید «نهاد پزشکی» را موشکافانه نقد کنیم. فاضلی در یادداشت

محقق محترم در مطالعه موردی خود همه آثار فاضلی را در کنار هم بررسی نکرده و به تحلیل و نقد گزینشی دست زده است. برای نمونه به‌دور از انصاف است اگر گمان کنیم فاضلی به‌ناگاه «به مکاشفای از ارزش‌های خانه رسیده است»، چراکه وی در اکثر مکتوبات و منشورات خود به رابطه عمیق میان زیست و سلوک روستایی و بی‌آرایی با جایگاه و موقعیت کنونی اش اعتراف می‌کند. «بدیهی‌ترین و ساده‌ترین واقعیت زندگی من، روستایی بودن و زیستن و بالیدن در خانواده‌ای روستایی بود... با وجود اینکه مادرم از نعمت سواد محروم بود و پدرم نیز تنها سواد مکتبخانه داشت ولی آنها به شیوه‌ای غریب بذر احساس علم جوئی و علم دوستی را در من کاشتند.»

«فقدان سواد رسانه‌ای انتقادی در حوزه سلامت» که در همان ابتدای همه‌گیری کرونا در روزنامه ایران (۹۸/۱۲/۳) منتشر شد، از «گفت‌مان سلامتی» و لزوم اعتنا به مقوله «سلامت جسمی و روحی» سخن گفتیم و «پزشک‌محور بودن نظام سلامت ایران» را موجب این نقص دانست. فاضلی در همان هفته (۹۸/۱۲/۶) و در یادداشت «سیاست زندگی، سیاست فرهنگی و بیماری/کرونا و انقلاب زندگی» منتشر در مهر، انتقادات دیگری را نیز معطوف به نقش شهروندان در حوزه عمومی سلامت بیان داشت. از نظر او شهروندان بسان «دیده‌بانان حوزه سلامت» حکمرانان و کلیه اقشار و اصناف درگیر با این حوزه را هر لحظه «استیضاح جمعی» می‌کنند. (www.mehrnews.com) او با تکیه بر نقش مدرنیته و تکنولوژی در کلیه ساحت‌های زندگی امروزی معتقد است که «واکنش

جامعه به ویروس کرونا اهمیت و جایگاه زندگی در افق فکری و اجتماعی جامعه ایرانی را نشان می‌دهد.» (همان)

اما شاید جدی‌ترین مطلبی که فاضلی در مورد «موقعیت کرونایی» در همان روزهای نخست نوشته است، یادداشت «کرونا چه چیزهایی را تغییر می‌دهد؟» به تاریخ (۹۸/۱۲/۱۱) باشد که در فرارو منتشر شد. در این یادداشت او چهار بعد برای کرونا تشریح می‌کند و از «کرونای زیست‌شده»، «کرونای مدیریت‌شده»، «کرونای بازنمایی‌شده» و «کرونای جهانی‌شده» سخن می‌گوید. فاضلی در این یادداشت مدقانه و منصفانه دین و مدرنیته را با یک ذره‌بین موردبررسی قرار داده و احتمال می‌دهد هر دو مورد نقد واقع شوند. «نوعی از آگاهی انتقادی درباره باورهای مذهبی در زمینه مرگ، زندگی و سلامت و همچنین حکمرانی سلامت در شبکه‌های اجتماعی نمایان شده است.» «بسیاری از عادت‌ها همچون استفاده از غذای بیرون با توقف و مکث مواجه شده است. این امر امکان بازاندیشی درباره شیوه زندگی را ایجاد می‌کند.» این یادداشت به‌خوبی نشان می‌دهد که فاضلی نه تنها از موج دوم کرونا، به‌زعم جناب مهدوی زادگان آگاه بوده بلکه موج دیگر را نیز برای آن پیش‌بینی کرده است. از نظر او «زندگی مصرفی و اتومبیلی‌شده ایرانیان» و نیز «روش‌های مصرف کردن بدن» به تعلق درآمده و این خود ضربه و نقدی بر مدرنیته است. (www.fararu.com)

اما نکته‌ای که مهدوی زادگان از رویکرد فاضلی درخصوص بازگشت به دین و معنویت به‌درستی ذکر کرده است به یادداشت «نوروز را چگونه در خانه بگذرانیم؟» برمی‌گردد که در وبسایت رسمی ایشان (www.farhangshenasi.ir) به تاریخ (۹۸/۱۲/۲۸) منتشر شده است. مهدوی زادگان اذعان دارد که فاضلی «فرهنگ قرنطینه را در قالب چند دستورالعمل توضیح داده است» و با اشاره به «سنت چله‌نشینی» که نوعی از آداب عرفانی است، به معنویت گریز زده است. در واقع به‌زعم فاضلی «در قرنطینه ما این فرصت را داریم که به تجربه‌های سالکان و عرفان بزرگ توجه کنیم و از تجربه‌های آنها از تامل در خود، ریاضت‌کنشی‌ها و تجربه‌های زیسته معنوی‌شان بهره‌جوییم.» (همان) این همان آشتی انسان مدرن و شاید دین‌گریز با دین و معنویت است.

اما با همه این اوصاف باز می‌بینیم که محقق محترم در مطالعه موردی خود همه آثار فاضلی را در کنار هم بررسی نکرده و به تحلیل و نقد گزینشی دست زده است. برای نمونه به‌دور از انصاف است اگر گمان کنیم فاضلی به‌ناگاه «به مکاشفای از ارزش‌های خانه رسیده است»، چراکه وی در اکثر مکتوبات و منشورات خود به رابطه عمیق میان زیست و سلوک روستایی و بی‌آرایی با جایگاه و موقعیت کنونی اش اعتراف می‌کند. «بدیهی‌ترین و ساده‌ترین واقعیت زندگی من، روستایی بودن و زیستن و بالیدن در خانواده‌ای روستایی بود... با وجود اینکه مادرم از نعمت سواد محروم بود و پدرم نیز تنها سواد مکتبخانه داشت ولی آنها به شیوه‌ای غریب بذر احساس علم جوئی و علم دوستی را در من کاشتند.» (نک. خودمردم‌نگاری هویت دانشگاهی: چگونه هویت انسان ایرانی به‌عنوان پژوهشگر با انسان دانشگاهی شکل می‌گیرد؟، ۱۳۹۶، انتشارات تیسرا، صص ۴۷-۴۶) باین حال اگر بحث را صرفاً به مقوله «موقعیت کرونایی» محدود کنیم، باید به یادداشت دیگری از فاضلی اشاره شود که در تاریخ (۹۸/۱۲/۱۱) تحت‌عنوان «ویروس کرونا و زیست جهان‌وطنانه شهروندان ایرانی»

در روزنامه ایران به چاپ رسید. در اینجا نیز فاضلی جنبه بروکراتیک نظام مدرن را به چالش می‌کشد و با انتقاد تند از ناکارآمدی نظام سلامت در حوزه عمومی، متذکر می‌شود «مهم‌ترین کاری که ویروس کرونا انجام می‌دهد این است که مساله سلامت را از داخل اتاق شوراهاى تخصصی و جلسات پشت درهای بسته نهادها، به حوزه عمومی می‌کشاند.» (همان) به‌علاوه، او در گفت‌وگویی با وبسایت کوک در تاریخ (۹۹/۱/۲۰) به نقش هنرمندان در این شرایط اشاره می‌کند و از آنان می‌خواهد که جنبه اقتصادی تولیدات هنری‌شان را مدتی در نظر بگیرند تا همگان توان دسترسی و خرید آثار هنری را داشته باشند. (www.kooomusic.com) این نگاه منتقدانه فاضلی به مقوله هنر نیز دلیلی دیگر بر توجه او به موج دوم کرونا و نقد مدرنیته است.

فاضلی در یادداشت دیگری در همشهری آنلاین (۹۸/۱۲/۱۳) با عنوان «ترومای فرهنگی کرونا» برای

انتقاد اصلی مهدوی زادگان به فاضلی این است که او و «مدرن خواهان ایرانی تلاش زیادی دارند که در همان موج اول بمانیم و بیشتر درباره چالش‌های فرهنگی - که به‌نظر می‌رسد کرونا برای دینداری و مناسک دینی پدید آورده- سخن گفته شود.» در واقع به‌زعم ایشان فاضلی «ضمن متهم ساختن نظام سیاسی به مدرن‌زدایی، جامعه ایرانی پسانقلاب را جامعه مناسکی خوانده است... حال آنکه محقق محترم معنای جامعه مناسکی منظورنظر فاضلی را دقیق درنیافته و مفهوم جامع و بسیط آیین را به مناسک دینی تقلیل داده است. همان‌طور که جناب مهدوی زادگان در یادداشت خود آورده است، فاضلی در یادداشت «وضعیت استثنایی به نام تعلیق آیین» می‌گوید جامعه ایرانی «در ۴۰ سال اخیر با موقعیت تورم مناسکی روبه‌رو بوده است» و البته که این تعبیر بسیار صحیح است

اولین‌بار به موقعیت فاجعه‌آفرین کرونا اشاره کرد. (www.newspaper.hamshahrionline.ir) او تجربه زیسته ایرانیان هنگام همه‌گیری کرونا را از این جهت منحصربه‌فرد دانست که جامعه ایران طی چندسال اخیر در مجموعه‌ای از چالش‌ها و بحران‌های طبیعی، سیاسی و اجتماعی درگیر بوده است.

به‌نظر او این وضعیت استثنایی موجب خواهد شد که کرونا یک «ترومای فرهنگی» در جامعه ایجاد کند. وی با پیش‌بینی این ترومای فرهنگی درحقیقت به سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان هشدار می‌دهد. در اینجاست که



می‌بینیم انتقادات فاضلی از عناصر مدرن مانند نظام سلامت، شیوه شهرنشینی، سواد رسانه‌ای و مواردی دیگر همه نشان از جلودر بودن او از «موج دوم کرونا» است ولی گویا تحلیل او از رفتارهای اجتماعی مربوط به پدیدارهای دینی، بیش از این موارد به چشم منتقد محترم آمده است.

از سوی دیگر فاضلی از آن جمله محققان خوش‌نشین نیست که تنها به نظریات بپردازد و بدون مراجعه به متن جامعه لفاظی کرده و راهکاری هم ارائه ندهد. برعکس او مانند یک معلم و یک پژوهشگر مسئول به یافتن راهکارها می‌اندیشد، چراکه دغدغه‌مندی بدون مساله‌محوری راه به جایی نمی‌برد و نفعی از این قسم علوم انسانی و اجتماعی برای کسی حاصل نمی‌شود. درخصوص آموزش و پرورش است که تماماً راهکارمحور و مساله‌مند است. بدیهی است که فاضلی به‌مثابه یک انسان‌شناس فرهنگی با فاضلی به‌عنوان یک معلم و آموزگار متعهد در روی یک سکه‌اند. او در یادداشتی دیگر با عنوان «گفت‌وگوهای کرونایی و علم انسانی و اجتماعی» که در تاریخ (۱۳۹۹/۱/۲۳) در وبسایت رسمی خود (www.farhangshenasi.ir) منتشر کرد، به‌صراحت وظیفه خود و دغدغه‌مندان حوزه علوم انسانی و اجتماعی در موقعیت کرونایی حاضر را «نشان دادن و تأکید کردن بر نقش و اهمیت و ماهیت گفت‌وگویی علم انسانی و اجتماعی» بیان می‌کند؛ چراکه از نظر او «کار علم انسانی و اجتماعی، تسهیل و توسعه گفت‌وگو در زندگی اجتماعی» و «ارائه بدیل‌های عملی برای زندگی جمعی» است. (همان) چگونه است که دکتر مهدوی زادگان اظهار می‌دارد که «پژوهشگر اجتماعی از واقعیت‌های اجتماعی بحث می‌کند و نه از توصیه و تجویزها. او از چگونه‌ماندن‌های در خانه اتفاق افتاده بحث می‌کند و نه از اینکه باید چگونه در خانه بمانیم یا برای ماندن در خانه به چه فرهنگ قرنطینه‌ای نیاز داریم.» (فرهیختگان ۹۹/۲/۳)

انتقاد اصلی مهدوی زادگان به فاضلی این است که او «مدرن خواهان ایرانی تلاش زیادی دارند که در همان موج اول بمانیم و بیشتر درباره چالش‌های فرهنگی - که به‌نظر می‌رسد کرونا برای دینداری و مناسک دینی پدید آورده- سخن گفته شود.» (همان) در واقع به‌زعم ایشان فاضلی «ضمن متهم ساختن نظام سیاسی به مدرن‌زدایی، جامعه ایرانی پسانقلاب را جامعه مناسکی خوانده است.» (همان) حال آنکه محقق محترم معنای جامعه مناسکی منظورنظر فاضلی را دقیق درنیافته و مفهوم جامع و بسیط آیین را به مناسک دینی تقلیل داده است. همان‌طور که جناب مهدوی زادگان در یادداشت خود در همین نشریه به تاریخ (۹۹/۲/۳) آورده است، فاضلی در یادداشت «وضعیت استثنایی به نام تعلیق آیین» می‌گوید جامعه ایرانی «در ۴۰ سال اخیر با موقعیت تورم مناسکی روبه‌رو بوده است» و البته که این تعبیر بسیار صحیح است.

در جامعه پسانقلاب ایران از سوی نظام سیاسی یا حتی گروه‌های غیرسیاسی و غیردولتی، مناسبت‌ها و آیین‌های بسیار متنوع دینی و غیردینی معرفی، بازنمایی و اجرا شده است. برای نمونه می‌توان به مناسبت‌های دهه‌ای، نوروز، جشن انار، جشن گندم، آیین‌های باستانی ایرانی مانند مهرگان و آبانگان و سینه‌دارمذگان، زیارت‌های دسته‌جمعی، پیاده‌روی زیارتی، سفره‌های نذری، مولودی و بسیاری موارد دیگر اشاره کرد. اما نکته اصلی این نیست که آیا جامعه ایران مملو از مناسک است یا خیر؛ بلکه فارغ از ارزش داوری درباره این آیین‌ها (که البته آیین اعم از مناسک دینی و غیردینی است) باید گفت که فاضلی در مطلب فوق

پرده از یک واقعیت پدیدارشناسانه برمی‌دارد و این سوال را مطرح می‌کند که «جامعه ایرانی در خلأ این آیین‌ها به چه روی می‌آورد؟» به عقیده او طی سال‌های اخیر در مواردی بعضی آیین‌ها به‌صورت موردی و استثنایی برای دوره‌ای کوتاه معلق شده‌اند ولی هیچ‌گاه پیش‌نیامده بود که همه آیین‌ها اعم از دینی و ملی و خانوادگی به‌طور کامل متوقف شوند. جامعه معاصر با انبوهی از این آیین‌ها خو گرفته و تحلیل فاضلی این است که «درصورت تداوم این وضعیت [تعلیق آیین‌ها] برای مدت طولانی، جامعه ایران بحران عظیمی را تجربه خواهد کرد.» (کانال تلگرامی پنجره، ۹۸/۱۲/۲۵)



دکتر نقد داوود مهدوی زادگان به دکتر نعمت‌الله فاضلی با موضوع تحلیل‌های جامعه‌شناختی ایشان از بحران کرونا منتشر شده در صفحات اول و یازدهم روزنامه «فرهیختگان» مورخ سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹